



## بررسی لوازم تحقق علوم انسانی اسلامی، مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری

سید علی محمد موسوی<sup>۱</sup>، امیرعلی کتابی<sup>۲</sup>

۱۰

دوره ۳، شماره ۲، پیاپی ۱۰  
تابستان ۱۴۰۳

### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:  
۱۴۰۳/۰۴/۰۷  
تاریخ پذیرش:  
۱۴۰۳/۰۶/۳۱  
صص: ۶۱-۷۸

شاپا چاپی: ۲۶۳-۰۲۳۸۳

رتبه علمی

ب

پژوهش‌های فصلنامه علمی  
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23830263.1403.3.1.1.0

### چکیده

یکی از مسائل بسیار مهم در حوزه علوم انسانی اسلامی، بررسی لوازم تحقق این امر و امکان یا عدم امکان تحقق آن است. هدف پژوهش حاضر بررسی لوازم تحقق علوم انسانی اسلامی از منظر مقام معظم رهبری است. سوال اصلی این است؛ علوم انسانی اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز، همواره مورد تأکید امامین انقلاب بوده، در چه صورتی تحقق پذیر است؟ این پژوهش با روشی تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و همچنین بر اساس گردآوری داده‌ها از مجموعه بیانات و سخنرانی‌های ایشان، به بررسی این مسأله پرداخته است. یافته‌های تحقیق فوق به شرح ذیل است: مقام معظم رهبری همواره در بیانات خود، ضمن تأکید بر امکان تحقق علوم انسانی اسلامی، معتقدند که اگر این مسأله به درستی فهم شود و به لوازم تحقق آن نیز دقت کافی و شایسته شود، قطعاً در آینده‌ای نزدیک محقق خواهد شد. مهمترین عواملی که باعث تحقق این مسأله خواهند شد از منظر معظم له عبارتند از: لزوم تلاش برای تولید علم بومی و دینی، تسلط اساسی بر کارهای انجام شده، استفاده از نخبگان و خیرگان کار بلد، جوشش از درون و حمایت از بیرون، تدوین برنامه زمانی معقول، مبتنی بر تفکر و جهان‌بینی الهی، خروج از مرتبه شاگردی و رسیدن به مرتبه استادی، استفاده از نظرات علماء و فضایی حوزه علمیه، انجام پژوهش‌های قرآنی، برملا کردن نقاط غلط، اعراض از بیراهه‌ها و لزوم تشکیک در مبانی غربی علوم انسانی. در مقابل غلبه نگرش مادی، ترجمه‌گرایی صرف، عدم شجاعت علمی و خودتحمیلی، از مهمترین موانع تحقق این مسأله است.

**کلیدواژه‌ها:** علوم انسانی اسلامی، رهبری، لوازم، موانع.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی (ره)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

musavi245@gmail.com

۲. استادیار انقلاب اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

## مقدمه

یکی از دغدغه های مورد تاکید مقام معظم رهبری در چند سال اخیر، مسئله «تحول در علوم انسانی» و راه های تحقق آن می باشد. ایشان بارها تحول اساسی در محتوای درسی رشته های مختلف این علوم را لازم دانسته و بر آن تاکید کرده اند. اجمالاً باید دانست که علومی مانند: روانشناسی، جامعه شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، مردم شناسی، فلسفه، تاریخ، جغرافیا، علوم ادبی، هنرهای زیبا و.. تحت این عنوان قرار می گیرند. (دلاور، ۱۳۹۹: ۳۶)

از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) علم یکی از محورهای مهم تمدن انسانی است و خود از همین منظر تمدنی و با رویکرد فلسفی - الهیاتی به علم و علوم انسانی مینگرند. ایشان در بیانات و نوشته های خود افقهای جدیدی را مورد نظر دارند که انسان را و می دارد تا فراتر از فلسفه های رایج به دیدگاه های ایشان توجه بیشتری کند. همچنین ایشان به عنوان یک مجتهد و حکیم عالی قدر صاحب سبک خاص در تبیین و تحریر معارف اسلامی و انسانی هستند و در تحلیل امور انسانی از افقهای جدید انسانی و تمدنی پرده برمیدارند و آن را در موضع گیری های خود در عرصه راهبری جامعه و مواجهه تمدنی با پدیده های داخلی و خارجی به کار میگیرند. (موسوی، ۱۴۰۳: ۱۰)

اهمیت موضوع تحقیق از آنجایی مشخص می شود که معظم له، علوم انسانی را روح دانش در یک جامعه دانسته که وظیفه جهت دهی صحیح یا غلط را بر عهده دارد:

«علوم انسانی روح دانش است. حقیقتاً همه دانشها، همه تحرکات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن، علوم انسانی است. علوم انسانی جهت میدهد، مشخص میکند که ما کدام طرف داریم میرویم، دانش ما دنبال چیست. وقتی علوم انسانی منحرف شد و بر پایه های غلط و جهان بینی های غلط استوار شد، نتیجه این میشود که همه تحرکات جامعه به سمت یک گرایش انحرافی پیش میرود. امروز دانشی که غرب دارد، شوخی نیست؛ چیز کوچکی نیست. دانش غرب یک پدیده بی نظیر تاریخی است؛ اما این دانش در طول سالهای متمادی در راه استعمار به کار رفته، در راه برده داری و برده گیری به کار رفته، در راه ظلم به کار رفته، در راه بالا کشیدن ثروت ملتها به کار رفته؛ امروز هم که می بینید چه کار دارند میکنند. این بر اثر همان فکر غلط، نگاه غلط، بینش غلط و جهت گیری غلط است که این علم با این عظمت - که

خود علم یک چیز شریفی است، یک پدیده‌ی عزیز و کریمی است - در این جهت‌ها به کار می‌افتد. البته در مورد علوم انسانی نکات خوبی را یکی از دوستان اینجا بیان کردند.» (۱۳۹۰/۰۷/۱۳)، بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی)

در این پژوهش، عوامل، لوازم و برخی پیش شرط‌های بیان شده و همچنین برخی موانع تحقق علوم انسانی اسلامی، از نگاه رهبر انقلاب مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و به این سوال پاسخ داده شده که چگونه می‌توانیم به این مهم، دست یابیم؟

### مفهوم شناسی

- (۱) علم: واژه‌ی علم، مشترک لفظی است و در معانی متعددی به کار رفته است:
- الف) علم در مقابل جهل که قابل اطلاق بر همهی دانستنی‌ها اعم از تصورات و تصدیقات، علوم حصولی و علوم حضوری است.
- ب) علم به معنای قطع و یقین که مقصود گزاره‌هایی است که مورد یقین آدمی است؛ حال چه این گزاره‌ای که یقین به آن تعلق گرفته، صادق و مطابق با واقع باشد یا کاذب و خلاف واقع بوده باشد. علم در اینجا مقابل شک و ظن و وهم است.
- ج) در معنای سوم، علم سیستمی از گزاره‌های حصولی است که با روش‌های مختلف کسب معرفت به دست آمده‌اند؛ مثل علوم تجربی، تاریخی، فلسفی، عرفانی و ادبی.
- د) معنای علم در اینجا نیز مانند معنای سوم است، با این تفاوت که با روش حسی و تجربی تحصیل شده و به صورت فنی، طبقه‌بندی شده است. (مصباح یزدی، ۱۴۰۰: ۶۱/۱) و (دهباشی، ۱۳۷۰: ۱۰)

- (۲) دین: مراد ما از دین در این گفتار عبارت است از گزاره‌های موجود در متون دینی و آموزه‌های دینی که به دو صورت تعالیم توصیفی یا اخباری (Descriptive) و تعالیم هنجاری و ارزشی (Normative) ظاهر می‌گردند و نیز انگیزه‌ی دینی دین‌داران و هم چنین فهم و معرفت دینی، یعنی برداشت ضابطه‌مند و روش‌مندی که از سوی عالمان دین، نسبت به متون دینی و نیز تصدیقات عقلی، نسبت به حقایق دینی تشکیل می‌گردد و به صورت شخصی و خصوصی یا همگانی، ظاهر می‌شود. برای اینکه یک صورت روشنی از علم دینی پیدا کنیم، باید

نگاه ما به علم و دین و رابطه بین آن دو تصحیح شود. مراد از دین، دین حقیقی و تحریف نشده، یعنی اسلام است. (سبحانی و محمدرضائی، ۱۳۹۹: ۱۲۰)

**۳) علم دینی:** علم دینی یعنی: علومی که از تفسیر و تبیین کتاب و سنت به دست می‌آیند؛ به عبارت دیگر، گزاره‌های توصیفی و اخباری موجود در متون دینی که از عالم واقع خبر می‌دهند و یک منظومه معرفتی را تشکیل می‌دهند؛ مانند معارف قرآن، معارف سنت، تفسیر قرآن و حدیث، فقه، کلام و... البته علم دینی دارای تعارف زیادی است. در اینجا هدف ما بررسی این مطلب است که آیا میتوانیم علوم در ظاهر غیر دینی (مانند روانشناسی، علوم تربیتی و...) که خاستگاهی غیرالهی داشته‌اند را نیز از منظر دین اسلام، بازتعریف و بومی سازی کنیم؟

### نظر علامه طباطبائی

بر اساس پژوهشی که آقای دکتر اسدی نسب انجام داده‌اند، نظر علامه طباطبائی در این زمینه به شرح ذیل است: «امکان علم انسانی اسلامی، مبنایی‌ترین مسئله در مباحث مربوط به علوم انسانی اسلامی و در عین حال مورد جدال فراوان است که بسیاری آن را قبول و عده‌ای انکار کرده‌اند. هر دو دسته بر اساس نحوه نگرش خود به دو مقوله «علم» و «دین» برای خود دلایلی ذکر کرده‌اند. ما نیز برای روشن شدن نظر علامه طباطبائی در این موضوع، باید در این دو عرصه مطالب را سامان دهیم. علامه طباطبائی به مناسبت‌های مختلف در تفسیر ارزشمند «المیزان» و دیگر آثار خود با استناد به آیات قرآنی، در باب علم و دین مطالبی بیان کرده‌اند که نشان می‌دهد علم انسانی با پسوند اسلامی را ممکن می‌دانند و سخنان منکران را نمی‌پذیرند؛ چرا که آنان از منظر ایشان، در شناخت علم و دین مسیر صحیح را طی نکرده‌اند.» (اسدی نسب، ۱۳۹۶: ۵۱۷)

### نظر آیت الله مصباح یزدی

خلاصه دیدگاه مرحوم آیت الله مصباح یزدی در این باره، این چنین است: «از دیدگاه آیت‌الله مصباح، علم کشف واقع است و دین الهی حق منحصراً دین اسلام است که راه سعادت و شقاوت انسان‌ها را در حوزه باورها و ارزش‌ها مشخص می‌کند. بنابراین، علم دینی علمی است

که در حوزه‌های مرتبط با سعادت و شقاوت انسان و باورها و ارزش‌ها از منابع صحیح دینی و با استفاده از روش‌شناسی صحیح (روش فقه‌ای) بدان رسیده باشیم و نتیجه نیز یقینی باشد. در متون دینی، مسائل مختلفی مطرح شده است که ناظر به علوم طبیعی، پزشکی و ... است. از آنجاکه شأن دین هدایتگری به سمت سعادت است، علم دینی باید همسو با این شأن تعریف شود. بنابراین، هر گزاره‌ای که با روش‌های معتبر اثبات شود علم دینی نخواهد بود، زیرا دین وظیفه‌ای در قبال کشف روابط علی میان پدیده‌ها ندارد. آنچه برای دین ضرورت دارد شناخت و بیان تأثیر پدیده‌ها در سعادت و شقاوت انسان است. این امر در بسیاری موارد با عمل اختیاری انسان در ارتباط است. در میان علوم، موضوع علوم انسانی بررسی کنش‌های ارادی و آگاهانه انسانی، و احکام و آثار و پیامدهای آن است، مانند علم اخلاق یا حقوق. بنابراین و با توجه به جایگاه بی‌بدیل علوم انسانی در ساخت تفکر بشری و سبک زندگی انسان‌ها، از دیدگاه استاد، اسلامی کردن علوم در گستره علوم انسانی اسلامی محقق می‌شود.» (سلیمانی و گنج‌خانی، ۱۳۹۶: ۵۷)

### نظر آیت الله جوادی آملی

آیت الله جوادی آملی (حفظه الله) نیز در مطلبی دقیق و عمیق و فلسفی، این گونه در این زمینه بحث را پیش برده‌اند: «با توجه به چارچوب نظری اندیشه اسلام از منظر استاد علامه جوادی آملی که بر چهار مؤلفه اصلی علل غایی، فاعلی، مادی و صوری مبتنی است، بررسی نسبت (باورها و ارزش‌های) فلسفه محض با فلسفه علوم انسانی اسلامی و نیز نسبت فلسفه مضاف اخیر با مجموعه علوم انسانی اسلامی، در تولید علوم انسانی اسلامی دارای اهمیت است. از منظر این اندیشمند، در منظومه یک اندیشه یا دین و یا عینیت، داشتن تبیین، تحریر و تحلیل بهتر از حقیقت هر موضوعی به شناسایی دقیق و تبیین علل چهارگانه آن موضوع عینی یا اعتباری بستگی دارد. مبدأ فاعلی پیدایش گونه‌گون فلسفه‌های مضاف به علوم یا امور، نوع نگرش کلی (الهی یا الحادی) فیلسوفان علم، به انسان و جهان می‌باشد؛ هرچند ممکن است خود عالم به صورت صرفاً ارتکازی از آن آگاه باشد. علت غایی و بایسته حکمت و نیز فلسفه‌های مضاف، سعادت‌مند و نورانی ساختن انسان و جامعه بشری در پرتو علم یا امر مضاف الیه است. علت صوری فلسفه‌های مضاف، نگرش فیلسوف علم به هستی، انسان، شناخت، ارزش و دیگر مؤلفه

های مؤثر بر چارچوب، مبانی و منطق شناخت علم مضاف الیه است. علت و مبدأ مادی در فلسفه مضاف، همان علم مضاف الیه است؛ این علم محمل و ظرف عینیت یابی نگرش های پیش گفته عالم (علت صوری یا نوع صورت بندی آن علم) است. همان صورت بندی یعنی اصول موضوعه و پیش فرض های پذیرفته شده توسط آن عالم برای آن علم است که سبب الهی یا الحادی شدن آن علم می شود.» (سوادی، ۱۳۹۹: ۱۶۵)

### نظر مقام معظم رهبری

معظم له نوع نگرش و جهان بینی محققین این عرصه را در خروجی علم تولیدی بسیار مهم دانسته و معتقدند که اگر بتوانیم، با جهان بینی الهی به سراغ علوم انسانی برویم، قطعاً تغییرات شگرف و بنیادینی را رقم خواهیم زد. «علوم انسانی مثل پزشکی نیست، مثل مهندسی نیست، مثل فیزیک نیست که جهان بینی و نگرش نسبت به انسان و جهان در آن تأثیر نداشته باشد؛ چرا، تأثیر دارد. شما مادی باشید، یک جور علوم انسانی تنظیم می کنید. علوم انسانی ما برخاسته‌ی از تفکرات پوزیتیویستی قرن پانزده و شانزده اروپاست. قبلاً که علوم انسانی‌ای وجود نداشته است؛ آنها آمده‌اند همین اقتصاد را، همین جامعه‌شناسی را در قرن هجدهم و نوزدهم و یک خرده قبل، یک خرده بعد تدوین کردند و ارائه دادند؛ خب، این به درد ما نمی‌خورد. این علوم انسانی، تربیت شده و دانش آموخته‌ی خود را آنچنان بار می‌آورد که نگاهش به مسائل مبتلابه آن علم و مورد توجه آن علم - چه حالا اقتصاد باشد، چه مدیریت باشد، چه تعلیم و تربیت باشد - نگاه غیر اسلامی است. می‌بینم همان شخص متدین در داخل دانشگاه که فرض کنید مدیریت یا اقتصاد خوانده، هرچه با او درباره‌ی مبانی دینی این مسائل حرف می‌زنیم، به خرجش نمی‌رود. نه اینکه رد میکند، نه؛ اما آنچه که شما در باب اقتصاد اسلامی با او حرف می‌زنید، با یافته‌های علمی او، با آن دو دو تا چهار تاهائی که او در این علم تحصیل کرده، جور در نمی‌آید. من با ورود علوم انسانی به حوزه‌ی علمیه اصلاً مخالفتی ندارم. من می‌گویم حوزه‌ی علمیه باید پایه های علوم انسانی مبتنی بر تفکر اسلامی و جهان بینی اسلام را مستحکم بریزد؛ همان کاری که در اول انقلاب جناب آقای مصباح و تشکیلات ایشان شروع کردند؛ که اگر تا امروز ادامه پیدا می کرد، به یک جاهایی میرسید. باید این پایه ها ریخته شود؛ و این ممکن نخواهد شد، مگر اینکه با علوم انسانی آشنا باشیم؛ شکی در این نیست. بنابراین در حوزه علمیه علوم انسانی را بخوانند، اینها

را یاد بگیرند، صورت‌بندی مسائل و عناوین را در این علوم فرا بگیرند؛ بعد برگردند به مبانی اسلامی، ببینند مسائل متناظر آنها با تفکر اسلامی چگونه است و چگونه شکل می‌گیرد. بنابراین من نمی‌گویم علوم انسانی نافع نیست، می‌گویم اینی که هست مضر است؛ آنی که باید باشد، لازم است.» (۱۳۸۹/۰۸/۰۲، بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم)

### لوازم تحقق علم دینی از منظر رهبری

در ادامه بحث، به اسباب و لوازم و موانع تحقق علم دینی از منظر رهبر معظم انقلاب، خواهیم پرداخت.

(۱) لزوم تلاش برای تولید علم بومی و دینی: ایشان درباره لزوم تلاش در این راستا می‌فرمایند: «این تصحیح و اصلاح کار دانشگاه‌ها همین امروز مصداق‌های روشنی دارد. یکی از مصداق‌های روشن این است که ما رویکرد مصرف‌کنندگی علم را تبدیل کنیم به رویکرد تولید علم. تا کی باید ما بنشینیم مصرف‌کننده‌ی علم دیگران باشیم؟ بنده با یاد گرفتن علم از دیگران هیچ مخالف نیستم؛ این را بارها گفته‌ام و همه هم میدانند؛ گفتم ما ننگمان نمیکنند که از آن کسی که دارای علم است یاد بگیریم و شاگردی کنیم، اما شاگردی یک حرف است، تقلید یک حرف دیگر است! تا کی دنباله‌رو علم این‌وآن باشیم؟ چرا در زمینه‌ی علوم انسانی وقتی گفته میشود که بنشینیم فکر کنیم و علوم انسانی اسلامی را پیدا کنیم، یک عده‌ای فوراً برمی‌آشوبند که آقا! علم است؟ در علوم تجربی که علم بودنش و نتایجش قابل آزمایش در آزمایشگاه است، این همه غلط بودن یافته‌های علمی روزبه‌روز دارد اثبات میشود، آن‌وقت شما در علوم انسانی توقع دارید [غلط نباشد]؟ در اقتصاد چقدر حرفهای متعارض و متضاد وجود دارد! در مدیریت، در مسائل گوناگون علوم انسانی، در فلسفه، این همه حرفهای متعارض وجود دارد؛ کدام علم؟ علم آن چیزی است که شما به آن دست پیدا کنید، بتوانید بفهمید آن را، از درون ذهن فعال شما تراوش بکند. باید دنبال این باشیم که ما تولید علم بکنیم؛ تا کی مصرف کنیم علم این‌وآن را؟ بله، مانعی ندارد که مثل کالایی که خودمان نداریم، دیگری دارد و از او میگیریم و استفاده میکنیم، از علم دیگران استفاده بکنیم اما این نمیتواند دائمی باشد، این نمیتواند همیشگی باشد؛ گاهی علم دیگران درست به ما منتقل نمیشود، گاهی آن بخش خویش را به ما نمیدهند، گاهی نو و به‌روزشده‌اش

را به ما نمیدهند و این اتفاق در کشور ما متأسفانه در سالهای حکومت طاغوت بارها افتاده؛ ما که نباید تجربه‌ها را مجدداً تکرار بکنیم؛ بنابراین بایستی تولید علم بکنیم.» (۱۳۹۷/۰۳/۲۰)، بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها)

**۲) تسلط اساسی بر کارهای انجام شده:** از منظر ایشان بنا بر سیر منطقی بحث، پیش از پرداختن به این کار لازم است که بر کارهای انجام شده در این حوزه، تسلط کاملی داشته باشیم. «علوم انسانی، دو سه قرن است که در دنیا ابداع شده و اشخاصی روی آن فکر کرده‌اند، کار کرده‌اند، مسائلی را به وجود آورده‌اند؛ بعضی هم که [ابداع آنها] به قرن نهم رسد، چندین دهه است که دارند روی آن کار میکنند؛ یعنی به اصطلاح چیزهایی جزو علوم مختلف انسانی هستند که برای ما حکم واردات را پیدا میکند؛ حالا غیر از فلسفه و ادبیات و مانند این چیزهایی که مربوط به خود ما است، مسائلی به وجود آمده، سرفصل‌هایی تولید شده، روی آن کار شده، فکر شده، نقد شده، چند لایه ردوبدل شده - این کارها انجام گرفته - ما حالا میخواهیم وارد بشویم و این مسائل را از آن ریشه‌ی به اصطلاح غیر دینی یا بعضاً ضد دینی آن جدا کنیم و به یک منشأ قرآنی و یک منشأ دینی و وحیانی متصل کنیم. خب این خیلی مهم است؛ این یک تسلط اساسی بر کارهای دیگران لازم دارد؛ ما باید بدانیم که دیگران در این زمینه‌ها چه کرده‌اند. [دانستن] کارهایی که آنها انجام داده‌اند، پیشرفتهایی که آنها انجام داده‌اند، از مسائلی است که مورد نیاز است؛ باید کار بشود.» (۱۳۹۶/۰۳/۰۱)، بیانات در دیدار دست‌اندرکاران اولین کنگره بین‌المللی قرآن و تحول و ارتقاء علوم انسانی)

**۳) استفاده از نخبگان و خبرگان کار بلد:** تحول در علوم انسانی کار پیچیده‌ای است که نیاز به افراد متخصص و ماهر دارد. «یکی از آن مبانی اساسی و ارزشهای اساسی عبارت است از اعتقاد به پیشرفت، اعتقاد به تحول، به تکامل، و تعامل با محیط، البته با پرهیز از انحرافها و خطاهایی که در این راه ممکن است وجود داشته باشد. تحول و تکامل؛ هم فقه ما، هم جامعه‌شناسی ما، هم علوم انسانی ما، هم سیاست ما، هم روشهای گوناگون ما باید روزبه‌روز بهتر بشود، منتها به دست آدمهای خبره، به دست آدمهای وارد، به دست انسانهای اهل تعمق و کسائی که اهلیت ایجاد راه‌های نو را دارند؛ نیمه‌سوادها و آدمهای ناوارد و مدعی نمیتوانند کاری انجام بدهند. به این باید توجه داشت؛ اینها همه

یک صراطی است که چپ و راست دارد؛ از وسط جاده باید حرکت کرد.» (۱۳۹۵/۰۳/۱۴)، بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)

۴) **جوشش از درون و حمایت از بیرون:** «تحول در علوم انسانی که به دلایل بسیار یک امر لازم و ضروری است، نیاز دارد به جوششی از درون و حمایتی از بیرون. خوشبختانه جوشش از درون امروز هست. من میبینم [گزارش کارها]، هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی - همین شورای تحول و دوستانی که در آنجا مشغول کارند- هم در خود دانشگاه‌ها، هم آن‌طور که امروز ملاحظه کردید [در صحبت] بعضی از دوستانی که درباره‌ی علوم انسانی صحبت کردند، نشان‌دهنده‌ی این است که این جوشش درونی در درون دانشگاه‌ها آن هم از سوی فرزندان و از سوی انسانهای دانشمند، وجود دارد؛ حمایت از بیرون هم باید وجود داشته باشد - حمایت گوناگون- که یکی از مصادیق این حمایت، تبعیت دانشگاه و وزارت از مصوبات شورای تحول است. یک مصوباتی دارند که امروز هم یکی از برادرها همین حالا بیان فرمودند که همان مقداری که کار شده، همین مقدار عملیاتی بشود. هر مقداری که تلاش شده است، کار شده است، این اجرائی بشود و عملیاتی بشود. در دفترها و کتابها و زونکن‌ها - و به قول ایشان در پیچ‌وخم‌های دالانهای وزارت یا شورای عالی انقلاب فرهنگی - نماند، بیاید عملیاتی بشود؛ این کاملاً درست است. وزارت به این نکته توجه کند. آقای دکتر فرهادی (۶) هم اینجا نشسته‌اند، اینها چیزهایی است که من بخصوص به ایشان توجه میدهم که این مسائل را دنبال کنند؛ این کار، کار بزرگی است. امروز سررشته‌ی علم در کشور و سررشته‌ی دانشگاه در کشور، در دست این برادران خوب ما است؛ اینها بایستی به معنای واقعی کلمه و دلسوزانه دنبال بکنند.» (۱۳۹۴/۰۴/۱۳)، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها

۵) **تدوین برنامه زمانی معقول:** «مهندسی فرهنگی و موضوع تحول و نوسازی در نظام آموزشی و علمی کشور اعم از آموزش عالی و آموزش و پرورش و نیز تحول در علوم انسانی که در دوره‌های گذشته نیز مورد تأکید بوده است، هنوز به سرانجام مطلوب نرسیده است، به تعویق افتادن این امور خسارت بزرگی متوجه انقلاب اسلامی خواهد کرد، لذا باید این امور جدی‌تر گرفته شده و با یک بازنگری و برنامه‌ریزی جدید طی مدت زمان معقول و ممکن به سرانجام خود برسد.» (۱۳۹۳/۰۷/۲۶)، حکم آغاز دوره‌ی جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی

۶) **مبتنی بر تفکر و جهان‌بینی الهی:** از آنجا که دین ما اسلام و مذهب ما شیعه اثنی عشری است، نمیتوان برای تحقق علوم انسانی اسلامی، از مکاتب دینی دیگری مدد جست. «مسئله‌ی دیگر هم مسئله‌ی علوم انسانی است، که از مدتی پیش این مطلب را مطرح کردیم؛ دلایل این کار هم مکرراً گفته شده. حقیقتاً ما نیازمند آن هستیم که یک تحول بنیادین در علوم انسانی در کشور به‌وجود بیاید. این به معنای این نیست که ما از کار فکری و علمی و تحقیقی دیگران خودمان را بی‌نیاز بدانیم - نه، برخی از علوم انسانی ساخته‌ و پرداخته‌ی غربی‌ها است؛ در این زمینه کار کردند، فکر کردند، مطالعه کردند، از آن مطالعات باید استفاده کرد - حرف این است که مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیرالهی است، مبنای مادی است، مبنای غیر توحیدی است؛ این با مبانی اسلامی سازگار نیست، با مبانی دینی سازگار نیست. علوم انسانی آن‌وقتی صحیح و مفید و تربیت‌کننده‌ی صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که براساس تفکر الهی و جهان‌بینی الهی باشد؛ این امروز در دانشهای علوم انسانی در وضع کنونی وجود ندارد؛ روی این بایستی کار کرد، فکر کرد. البته این کار، کار شتاب‌آلودی نیست - کار بلندمدتی است، کار مهمی است - متنها دوستانی هم که مشغول این کار هستند، لازم است سرعت متناسب را به این کار بدهند، یعنی ضمن اینکه نباید در این کار شتاب‌زدگی کرد، عقب‌ماندگی هم در این کار مطلوب نیست و مورد قبول نیست؛ بایستی کار بشود. البته من شنیدم و اطلاع دارم که علاوه بر آنچه در شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه انجام می‌گیرد، اساتید متعدد دانشگاه هم در این زمینه کارهای مهم و خودجوش دارند انجام میدهند، که این کارها خوب است در یک صراط قرار بگیرد؛ یعنی این دو مجموعه‌ی کاری با یکدیگر هم‌افزایی کند، تا ان‌شاءالله نتایجی عاید کشور و عاید دانشگاه کشور در این زمینه بشود.» (۱۳۹۳/۰۴/۱۱، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها)

همچنین با توجه به کثرت دانشجویان علوم انسانی، برای تحقق تحول در این حوزه، نیاز به اساتید فراوانی داریم که هم از نظر مبانی و اعتقادات و هم از لحاظ تسلط به مباحث، توانمند و شاخص باشند. رهبری معظم این مسأله‌ی مهم را نیز این‌چنین گوشزد می‌کنند:

«طبق آنچه که به ما گزارش دادند، در بین این مجموعه‌ی عظیم دانشجویی کشور که حدود سه میلیون و نیم مثلاً دانشجوی دولتی و آزاد و پیام نور و بقیه‌ی دانشگاه‌های کشور داریم، حدود دو میلیون اینها دانشجویان علوم انسانی‌اند! این به یک صورت، انسان را نگران میکند. ما در زمینه‌ی علوم

انسانی، کار بومی، تحقیقات اسلامی چقدر داریم؟ کتاب آماده در زمینه‌های علوم انسانی مگر چقدر داریم؟ استاد میرزی که معتقد به جهان‌بینی اسلامی باشد و بخواهد جامعه‌شناسی یا روانشناسی یا مدیریت یا غیره درس بدهد، مگر چقدر داریم، که این همه دانشجو برای این رشته‌ها میگیریم؟ این نگران کننده است. بسیاری از مباحث علوم انسانی، مبتنی بر فلسفه‌هایی هستند که مبنایش مادیگری است، مبنایش حیوان انگاشتن انسان است، عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است. خوب، این علوم انسانی را ترجمه کنیم، آنچه را که غربی‌ها گفتند و نوشتند، عیناً ما همان را بیاوریم به جوان خودمان تعلیم بدهیم، در واقع شکاکیت و تردید و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزشهای خودمان را در قالبهای درسی به جوانها منتقل کنیم؛ این چیز خیلی مطلوبی نیست. این از جمله‌ی چیزهایی است که بایستی مورد توجه قرار بگیرد؛ هم در مجموعه‌های دولتی مثل وزارت علوم، هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی، هم در هر مرکز تصمیم‌گیری که در اینجا وجود دارد؛ اعم از خود دانشگاه‌ها و بیرون دانشگاه‌ها.» (۱۳۸۸/۰۶/۰۸، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها)

**۷) خروج از مرتبه شاگردی و رسیدن به مرتبه استادی:** برای تحول در علوم انسانی لازم است که با توکل بر خدا و تکیه بر توانمندی‌های دانشمندان داخلی، به تدریج داشته‌های خودمان را به منصفی ظهور برسانیم و به استقلال در تولید علم انسانی الهی برسیم. «مبانی علوم انسانی در غرب از تفکرات مادی سرچشمه میگیرد. هر کس که تاریخ رنسانس را خوانده باشد، دانسته باشد، آدمهایش را شناخته باشد، این را کاملاً تشخیص میدهد. خوب، رنسانس مبدأ تحولات گوناگونی هم در غرب شده؛ اما مبانی فکری ما با آن مبانی متفاوت است. هیچ ایرادی هم ندارد که ما از روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و فلسفه و علوم ارتباطات و همه‌ی رشته‌های علوم انسانی که غرب ایجاد و تولید کرده یا گسترش داده، استفاده کنیم. من بارها گفته‌ام که ما از یادگیری به هیچ وجه احساس سرشکستگی نمیکنیم. لازم است یاد بگیریم، از غرب یاد بگیریم، از شرق یاد بگیریم - «اطلبوا العلم ولو بالصین» - خوب، این که روشن است. ما از این احساس سرشکستگی میکنیم که این یادگیری به دانائی و آگاهی و قدرت تفکر خود ما منتهی نشود. همیشه که نمیشود شاگرد بود؛ شاگردی میکنیم تا استاد شویم. غربی‌ها این را نمیخواهند؛ سیاست استعماری غرب

از قدیم همین بوده؛ می‌خواهند در دنیا یک تبعیضی، یک دو هویتی‌ای، یک دو درجه‌ای در مسائل علمی وجود داشته باشد.» (۱۳۹۰/۰۵/۱۹)، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان

در واقع بنا بر فرمایشات معظم له لازم است که از نگاه تقلیدی صرف عبور کرده و خود در این زمینه مجتهد شویم: «در مورد علوم انسانی که صحبت شد، این نکته را من عرض بکنم؛ آنچه که ما در باب علوم انسانی گفتیم و من تکرار میکنم، همان چیزی است که عرض شد: ما بایستی در علوم انسانی اجتهاد کنیم؛ نباید مقلد باشیم. اما حالا فرض کنید که فلان رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه حذف بشود یا حذف نشود یا کم بشود؛ من روی این چیزها هیچ نظری ندارم. من نه نفی میکنم، نه اثبات میکنم؛ یعنی کار من نیست، کار مسئولین است. ممکن است مصلحت بداند بعضی از رشته‌ها را حذف کنند یا نکنند؛ حرف من این نیست؛ حرف من این است که در باب علوم انسانی کار عمیق بگیرد و صاحبان فکر و اندیشه در این زمینه‌ها کار کنند.» (۱۳۹۰/۰۵/۱۹)، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان

۸) استفاده از نظرات علماء و فضلاء حوزه علمیه: برای تحول در علوم انسانی لازم است که علاوه بر دانشگاه، حوزه علمیه نیز وارد میدان شود و فضلاء حوزوی با احساس مسئولیت نسبت به این موضوع، در راستای آن همت گمارند. «اینکه بنده درباره‌ی علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رائج است، محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی اینها رائج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت میشوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار میگیرند. حوزه‌های علمیه و علمای دین پشتوانه‌هایی هستند که موظفند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آنها را در اختیار بگذارند، برای برنامه‌ریزی، برای زمینه‌سازی‌های گوناگون. پس نظام اسلامی پشتوانه‌اش علمای دین و علمای صاحب‌نظر و نظریات اسلامی است؛ لذا نظام موظف به حمایت از حوزه‌های علمیه است، چون تکیه‌گاه اوست.» (۱۳۸۹/۰۷/۲۹)، بیانات در دیدار طلاب و فضلاء و اساتید حوزه علمیه قم

۹) **انجام پژوهش‌های قرآنی:** قرآن به عنوان کتاب زندگی و معجزه جاویدان پیامبر اسلام (ص)، قطعاً در زمینه علوم انسانی و تربیتی فرمایشات فراوانی دارد که لازم است متخصصان و پژوهشگران این حوزه، با غور و کاوش در مطالب آن، به این علوم الهی دست یابند. «من درباره‌ی علوم انسانی گلاویه‌ای از مجموعه‌های دانشگاهی کردم - بارها، این اواخر هم همین جور - ما علوم انسانی مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان‌بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است. این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه هیچگونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، میاوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در بخشهای مختلف اینها را تعلیم می‌دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخشهای مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آنوقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی میتوانند بر این پایه و بر این اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آنوقت میتوانند از پیشرفتهای دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد.» (۱۳۸۸/۰۷/۲۸، بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور)

۱۰) **برملا کردن نقاط غلط:** یکی از الزامات حتمی پیشرفت در علوم انسانی از منظر رهبری، شناسایی و شناساندن نقاط ضعف و نکات غلط علوم انسانی فعلی است که مبتنی بر جهان‌بینی مادی گرا بوده و صرفاً از علوم تجربی بهره برده است. «البته منظورم فقط هم علوم طبیعی نیست؛ اهمیت علوم انسانی کمتر از آن نیست: جامعه‌شناسی، روانشناسی، فلسفه. نظریه‌های جامعه‌شناسی غرب، مثل قرآن برای بعضی‌ها معتبر است؛ از قرآن هم معتبرتر! فلان جامعه‌شناس این جوری گفته؛ این دیگر برو برگرد ندارد! چرا؟! بنشینید فکر کنید؛ نظریه‌پردازی کنید؛ از موجودی این دانشها در دنیا استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را برملا کنیم. این از جمله‌ی کارهایی است که جزو الزامات حتمی پیشرفت است.» (۱۳۸۸/۰۲/۲۷، بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان)

۱۱) **اعراض از بیراهه‌ها:** خودتحقیری و عدم باور به توانمندی‌های دانشمندان داخلی، یکی از موانع جدی پیشرفت و تحقق علوم انسانی اسلامی است که معظم له نیز خطر این نوع نگرش را بسیار جدی می‌داند. «یک نمونه‌ی دیگر از این بیراهه‌ها، نمونه‌هایی است که گاهی ممکن است در زمان ما هم پیدا بشود؛ باید توجه داشت. در این نمونه‌ی دوم، اسمی از ظواهر آورده نمی‌شود، هویت ایرانی و اسلامی هم مثل آنچه که در آن شکل اول دیده می‌شد، نفی نمی‌شود؛ لیکن یک حالت نومیدی از تحرک و پیشرفت در این مسابقه در سیاستگذاران و سررشته‌داران امور و سخنگویان جامعه مشاهده می‌شود. یعنی نگاهی که به غرب می‌کنند، یک نگاه به یک نقطه‌ی والا و دست‌نیافتنی است، اسمش را هم می‌گذارند واقع‌بینی! می‌گویند آقا واقع قضیه چیست؛ امروز اینها از لحاظ علمی اینقدر جلویند، در زمینه‌های گوناگون این همه پیشرفت کرده‌اند؛ این همه نظریات مختلف در علوم انسانی، در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی؛ این همه نظر، این همه فکر، این همه نظریه‌ی نو، ابتکاری ارائه داده‌اند؛ ما کی می‌توانیم به گرد اینها برسیم؟ یعنی یک چنین روحیه‌ای در آنها وجود دارد. بارها در طول این سی سال، بنده خودم با افرادی از این قبیل مواجه بودم که چه با زبان صریح یا نیمه صریح یا با زبان حال، همین معنا را بیان می‌کردند که (آقا ما البته باید پیشرفت کنیم، اما دنبال اینها باید حرکت کنیم! ما که نمیتوانیم به گرد اینها برسیم، چه برسد به اینکه از اینها جلو بزنیم؛ چرا بیخود زحمت میدهد خودتان را؟). این هم یک بیراهه است.» (۱۳۸۷/۰۷/۰۷، بیانات در دیدار دانشجویان)

۱۲) **اعراض از ترجمه‌گرایی صرف و رفتن به سمت نظریه پردازی:** «باید درس بخوانید، تحقیق کنید، به فکر نظریه‌سازی باشید. الگو گرفتن بی قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوه‌ی ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه‌ی علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی. بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، در روان‌شناسی، در فلسفه؛ آنها هستند که شاخصها را مشخص میکنند. در این زمینه‌ها ما باید نظریه‌پردازی‌های خودمان را داشته باشیم و باید کار کنیم؛ باید تلاش کنیم؛ دانشجو باید تلاش کند. دانشجو و محیط دانشگاه باید نگاه کلان به هدفهای انقلاب داشته باشد؛ دنبال آنها برود. مراقب باشید دشمن نتواند از محیط دانشگاه و از عنصر دانشجو و استاد استفاده کند. این آن چیزی است که من روی آن تأکید میکنم. می‌بینید

یک حادثه‌ی کوچکی اتفاق می‌افتاد، حالا در همین دانشگاه خودتان، یک تعدادی مثلاً شاید در یک قضیه‌ای گله‌مندند، معترضند؛ ببینید بلافاصله در دنیا روی آن تفسیر می‌گذارند، تحلیل می‌گذارند، نه با جهتی که آن دانشجو به خاطر آن جهت این حرکت را انجام داده، این اقدام را کرده، بلکه درست در نقطه‌ی مقابل آن جهت. یعنی حاکمیت را، نظام را، اسلام را زیر سؤال می‌برند با این وسائل. باید هشیار بود؛ در محیط دانشگاه این هشیار از همیشه لازمتر است.» (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز) (۱۳۸۷/۰۲/۱۴)

**۱۳) لزوم تشکیک در مبانی غربی علوم انسانی:** «مسأله‌ی تولید علم فقط مربوط به علوم پایه، تجربی و ... نیست، بلکه شامل همه‌ی علوم و از جمله علوم انسانی است. ما بخصوص در زمینه‌ی علوم انسانی، برخلاف آنچه که انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را - چه در زمینه‌ی اقتصاد و چه در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست - به شکل وحی منزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به‌صورت فرمولهای تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه‌ی خودمان را تنظیم کنیم! گاهی که این فرمولها جواب نمی‌دهد و خراب درمی‌آید، خودمان را ملامت می‌کنیم که ما درست به‌کار نگرفته‌ایم؛ در حالی که این روش، روش غلطی است. ما در زمینه‌ی علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخشهای اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم. البته در این قسمت، حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام می‌توانند با جستجو و تفحص، نقش ایفا کنند. این‌جا از آن‌جایی است که ما باید به تولید علم برسیم.» (۱۳۸۲/۰۸/۰۸، بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها)

«منظور از ترجمه فقط ترجمه‌ی کتاب نیست، بلکه ترجمه‌ی فرهنگ، ترجمه‌ی فکر، ترجمه‌ی نظریات بیگانه، آنها را به شکل وحی منزل تلقی کردن و در یک جایگاه غیرقابل خدشه قرار دادن، بلایی بوده که در جامعه‌ی ما وجود داشته است. همان ترجمه‌ها را تکرار کرده‌ایم؛ هر چه را که دیگران گفته‌اند، تکرار کرده‌ایم و دچار جمود شده‌ایم. اگر بخواهیم رشد کنیم، بایستی بتوانیم در فضای لایتناهی فکر بال و پر بزنیم؛ باید حرکت کنیم. اگر بخواهیم در اقتصاد، فرهنگ،

علوم انسانی، فلسفه و در همه‌ی زمینه‌های علمی و فرهنگی در چارچوب آن نظری که فردی در جایی گفته و یک عده طرفدار هم پیدا کرده و حالا مترجمی آن را ترجمه کرده یا خود ما آن را یاد گرفته‌ایم؛ یعنی در چارچوب آن فکر به‌عنوان یک شیء مقدس غیرقابل دست زدن، حرکت کنیم، این آزاداندیشی نیست، بلکه دنباله‌ی «کاغذباد» شدن است. ما در مشهد به این بادبادکها، کاغذباد می‌گوییم. خیال می‌کند در هوا پرواز می‌کند، اما دنباله‌ی کاغذباد است، نخ آن هم دست یکی دیگر است. این کار آزاداندیشی نیست. محیط آزاداندیشی، محیط خاصی است که باید آن را ایجاد کرد؛ آن هم کار شماهاست. البته به نظر من، گفتگوی آزاد باید از حوزه و دانشگاه شروع شود.» (۱۳۸۱/۱۱/۰۸، بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم)

۱۴) احتراز از تهجر و ایستایی و داشتن شجاعت علمی: «یکی از وظایف مهم دانشگاه‌ها عبارت است از نواندیشی علمی. مسأله‌ی تحجّر، فقط بالای محیط‌های دینی و افکار دینی نیست؛ در همه‌ی محیط‌ها، تحجّر، ایستایی و پایبند بودن به جزمی‌گرایی‌هایی که بر انسان تحمیل شده - بدون این‌که منطق درستی به دنبالش باشد - یک بلاست. آنچه که برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفه‌ی آرمانی محسوب می‌شود، این است که در زمینه‌ی مسائل علمی، نواندیش باشد. معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه‌ی اول اهمیت است. این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود. این نو اندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن، دانشجویان و کلّ محیط علمی هم است. البته برای نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود - دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرأت علمی. البته قدرت علمی چیز مهمی است. هوش وافر، ذخیره‌ی علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری، از عواملی است که برای به دست آمدن قدرت علمی، لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره‌ی انباشته‌ی علمی آنها هیچ‌جا کاربرد ندارد؛ کاروان علم را جلو نمی‌برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلاء نمی‌رساند. بنابراین جرأت علمی لازم است.» (۱۳۷۹/۱۲/۰۹، بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر)

### نتیجه‌گیری

مطابق آنچه بیان شد، سخنان رهبر انقلاب در باب لوازم تحقق علوم انسانی اسلامی، به طور شفاف، صریح و روشن از یک «باید» حکایت دارد و آن این است که برای تحقق این امر مهم باید بیش و پیش از هرچیزی، به تصحیح جهان‌بینی و ایدئولوژی خود بپردازیم و خود را باور کنیم. از منظر معظم له، «علوم انسانی هوای تنفسی مجموعه‌های نخبه‌کشور است که هدایت جامعه را بر عهده دارند بنابراین آلوده یا پاک بودن این هوای تنفسی بسیار تعیین‌کننده است.» (۱۳۹۱/۱۲/۰۱، دیدار جمعی از مسئولان و دست‌اندرکاران جشنواره‌ی مردمی فیلم عمار با رهبر انقلاب) همچنین اساسی‌ترین کار هم این است که مبنای علمی و فلسفی تحول علوم انسانی باید تدوین بشود؛ این کار اساسی و کار اوکی است که بایستی انجام بگیرد. (۱۳۹۲/۰۹/۱۹)

بنابراین بنا بر آنچه در این مقاله به آ‌آن پرداخته شد، جامعه اسلامی ما می‌تواند با عمل به لوازم تحقق تحول در علوم انسانی، مانند لزوم تلاش برای تولید علم بومی و دینی، تسلط اساسی بر کارهای انجام شده، استفاده از نخبگان و خبرگان کار بلد و... و احتراز از موانع ذکر شده مانند غلبه نگرش مادی، ترجمه‌گرایی صرف، عدم شجاعت علمی و خودتحمیری و... به این مهم دست یابد. ان شاءالله تعالی

## فهرست منابع

- اسدی نسب، محمدعلی. (۱۳۹۶). امکان علوم انسانی اسلامی از منظر قرآن در دیدگاه علامه طباطبائی، فلسفه دین، ۱۴(۳)، ۵۱۷-۵۴۳.
- بی نام. (۱۳۸۸). علوم انسانی و بایسته های آن از نگاه مقام معظم رهبری، معارف، ۷۱، ۱-۲۰.
- حسینی خامنه ای، سید علی، مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌های معظم له، وبسایت [Khamenei.ir](http://Khamenei.ir)
- خسرو پناه، عبدالحسین. (۱۳۹۲). در جستجوی علوم انسانی. قم: دفتر نشر معارف.
- دلاور، علی. (۱۳۹۹). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: نشر رشد.
- دهباشی، مهدی. (۱۳۷۰). فلسفه علم، اصفهان: نشر پیمان.
- سبحانی، جعفر و محمدرضائی، محمد. (۱۳۹۹). اندیشه اسلامی ۲، قم: نشر معارف.
- سلیمانی امیری، عسکر و گنج‌خانی، آسیه. (۱۳۹۶). بررسی چپ‌ستی علوم انسانی اسلامی از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی. آیین حکمت، ۹(۳۳)، ۵۷-۷۸.
- سوادی، محمد علی. (۱۳۹۹). استنباط مبانی علوم انسانی اسلامی در آثار علامه جوادی آملی، قبسات، ۲۴(۹۵)، ۱۹۰-۱۶۵.
- شریفی، احمدحسین. (۱۳۹۳). مبانی علوم انسانی اسلامی، تهران: انتشارات آفتاب توسعه.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۴۰۰). آموزش فلسفه، قم: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- موسوی، سید مهدی. (۱۴۰۳). درآمدی بر علوم انسانی اسلامی در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.